

خرستان

www.ketab.ir

مصطفی پاشنگ



سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: خرستان / نویسنده مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۳۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۷۳۵ - ۶۳ - ۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
موضوع	: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction - 20 th century
رده‌بندی کنگره	: PIR ۷۹۸۱
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۲ / ۳ ف
شماره کتابخانه ملی	: ۸۶۷۸۵۵۱



خرستان

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

۱۲۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۷۳۵ - ۶۳ - ۵

به نام آفریدگار هستی

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار
۹.....	بخش اول
۲۵.....	بخش دوم
۳۳.....	بخش سوم
۴۹.....	بخش چهارم
۷۱.....	بخش پنجم
۸۱.....	بخش ششم
۸۹.....	بخش هفتم
۱۲۴.....	بخش هشتم
۱۳۳.....	بخش نهم
۱۴۱.....	بخش دهم
۱۵۹.....	بخش یازدهم
۱۷۸.....	بخش دوازدهم
۱۹۹.....	بخش سیزدهم
۲۲۱.....	بخش چهاردهم
۲۳۱.....	بخش پانزدهم

پیشگفتار

گاو می گوید هنگامی که ما گاوان سرمان را زیر می اندازیم و می رویم، دوپایان گمان می کنند که ما بی ادب هستیم یا فرهنگ نداریم و به گفته خودشان گاو را به گونه ای نادان می دانند. این گونه برداشت ها درست نیست، این گونه دآوری ها هم نادرست است؛ چرا این دوپایان اندکی از غرور پوشالی خود در خردورزی نمی کاهند و پیش خودشان گمان نمی کنند که شاید ما گاوان آشتی نباشیم. نباید هم آشتی باشیم، چون هنگامی که دوپایان شیر ما را می دوشند، ما را می کشند و گوشت ما را می خورند، پوست ما را می کنند و با آن پاپوش درست می کنند و از دور زیر پوست ما تازیانه می سازند و با همان تازیانه ما را کتک می زنند، چرا باید آشتی باشیم؟ با این ستمی که بر ما روا می دارند نباید چشمداشت آن را داشته باشند که ما گاوان هنگامی که آنان را دیدیم، لبخند بزنیم و آنان را در آغوش بگیریم و به زور دیده بوسی کنیم، آنان به ما بد کردند و ما با آنان آشتی نیستیم.

از سویی گاو می شود بزرگ^۱ و ما بزرگ هستیم. خود شما باور دارید، زیرا خودتان ده ها روستا و سرزمین به نام ما کرده اید. از سوی دیگر این

^۱ - باتلاق گاوخانی: باتلاق چشمه بزرگ.

-- گاوکان (جایگاه بزرگ): نام روستایی از شهرستان جیرفت در استان کرمان.

- گاومرده (ده بزرگ بالنده): نام روستایی از شهرستان بم در استان کرمان.

- گاوچوران (بزرگ و زیبا): نام روستایی از شهرستان ریگان در استان کرمان.

ما هستیم که بزرگی را بانگ می‌زنیم، چون می‌گوییم ما و ما (mā)=بزرگ، نام ده‌ها روستا که دوپایان در آن زندگی می‌کنند از تکواژ هسته‌ای ما که هسته زبان ما است ساخته شده، آن‌گاه هنگامی که دوپایان به ما نگاه می‌کنند، نگاه آنان بر ما گاوآن چون نگاه بر نادان است. شایسته است که دانایی‌ها و این نادانی‌ها بررسی شده و داوری شود و زندگی خردمندانه دوپایان و زندگی گاوآن هم‌سنگی شود، زیرا یاد ندارد کسی که گاوی، گاو دیگر را کشته باشد؛ اما در میان دوپایان گاهی کشتن همدیگر توانمندی و سرفرازی می‌آورد و هیچ گاوی با همسرش زد و خورد نمی‌کند، هیچ گاوی، گاوآن را در بند نکرده و کاری به گیاهخواران دیگر ندارد، گاوآن داوری با خود شما. خود شما بگویید که کدام گروه بیشتر گاو هستند، از سوی دیگر بجز ما گاوآن، خران و اسبان هم از دست دوپایان به ستوه آمده‌اند.

شایسته است که به درد دل خران هم بها داده شود. خر می‌گوید: شما دوپایان مرا به بند کشیدید، گرسنگی دادید، تا ناتوان شوم، ناتوانی مرا رام کردن نامیدید، آن‌گاه به سر من افسار زدید و بر گرده من پالان گذاشتید، تا مرا سوار شوید و بر گرده من بار گذاشتید، اگر سواری ندادم و یا بار نبردم مرا کتک زدید. اگر خوب بار ببرم و خوب سواری بدهم تازه

^۱ - لی ماده (ده درخشان و بزرگ): نام روستایی از شهرستان رامسر در استان مازندران.

- ماسار (مانند بزرگ): نام روستایی از شهرستان چالوس در استان مازندران.

- ماشی (بزرگ شاد): نام روستایی از شهرستان رفسنگان در استان کرمان.

- مادان (دانای بزرگ): نام روستایی از شهرستان بردسیر در استان کرمان.

خر خوبی هستم، آن هم از دیدگاه شما دوپایان؛ اما از دیدگاه خودم دریافت‌هام که بیچاره‌ای بدبخت و دربند هستم. ناگفته نماند که در جهان امروز سواری گرفتن و سواری دادن سخن تازه‌ای نیست؛ اما پیچیده و پر راز است؛ زیرا خران آشکار سواری می‌دهند و بار می‌برند؛ اما گروهی پس از گذشت زمان درمی‌یابند که سواری داده‌اند و یا گروهی با نیرنگ از آنها سواری می‌گرفته‌اند. از سوی دیگر خران بسیار گله‌مند هستند، می‌گویند مگر خر نمی‌شود بزرگ؟ اگر خر به ما نیک بزرگ نیست پس چرا شما دوپایان به مگس بزرگ می‌گویید خرمگس؛ به بزرگ‌گوش می‌گویید خرگوش؛ به پشتۀ بزرگ می‌گویند خرپشته و به جایگاه بزرگ شاهان می‌گویند خرگاه. پس خر بزرگ است؛ اما شما دوپایان می‌خواهید با نیرنگ این بزرگی را فروتن کنید.

از سوی دیگر مگر خر ریشه‌دارم خرد نیست؟ پس چرا در ذهن نارسای شما جا افتاده که خر نادان است. چرا به دوپایان کم‌دانش و گول خورده می‌گویند خر؟ بد نیست که کنش و واکنش گروه ویژه‌ای از دوپایان را با کردار و رفتار خران به هم‌سنجی بنشینیم. آن‌گاه داوری کنیم؛ اما آن‌گونه که نمایان است دوپایان پرونده ستبری دارند، زیرا اسبان هم از آنها گله‌مند هستند. می‌گویند ما نمی‌خواهیم با سر افسار و دهنه و زین ابزار شکوهمند باشیم و سواری بدهیم. چون این شکوهمند بودن به سواری دادن و دردمند بودن نمی‌ارزد و گورخرها پیامی دیگر دارند و می‌گویند ما نه رام شونده بودیم و نه بار برده‌ایم و نه سواری دادیم؛ اما با اینکه گونه‌ای خر بودیم با گوشتی ناروا، شما دوپایان گوشت

ما را روا کردید و ما را خوردید تا به پایان رسیدیم و دیگر نیستیم. همان جایی هستیم که بهرام گور رفت.

چکیده سخن اینکه این کتاب گزارشی است از دیرینه‌ترین روزگاران؛ از رام شدن خران و اسبان و گاوها و نبردها و سخن‌ها و شگردهای خرانه و اسبانه و گاوانه و روی سخن، با هیچ کس نیست.

اگر گوشه‌هایی از زندگی آن گیاهخواران با زندگی گروه اندکی از دوپایان بسیار اندک هماهنگی و یا کم و بیش برابری دارد کسی گناهکار نیست؛ اگرچه در جهان امروز گاهی نادانی‌ها چنان فراوان است که خردمندان را به خنده خریش وامی‌دارد و خران دوباره گله‌مند از این همه بدنامی می‌شوند باز گناه از کسی نیست. شاید در این کتاب گزارشی از خرگری باشد، باز هم گناه از کسی نیست، چون خرگری هم کاری به خر که همان درازگوش باشد، ندارد. کنشی از نادانی است و خود خر هم نمی‌تواند گله‌مند باشد که چرا گزارش شده است، زیرا این کتاب طنز است و با زبان پارسی بدون واژه بیگانه نوشته شده است.